



## نشانه‌های نقش‌های معنایی مکانی در زبان ترکی نیشابوری: رویکردی توصیفی

علیرضا فیروزی<sup>۱</sup>

محمد دبیرمقدم<sup>۲\*</sup>

### چکیده

زبان و گویش هر قوم آینه تمام‌نمای فرهنگ و هویت آن قوم به‌شمار می‌رود؛ بنابراین، حفظ، ثبت و ضبط داده‌های این زبان‌ها و گویش‌ها امری ضروری است. به دلیل گسترش روزافزون شهرنشینی و توسعه وسایل ارتباط جمعی ممکن است در آینده‌ای نه‌چندان دور، زبان فارسی این گونه‌ها را به حاشیه براند، در نهایت بر آنها غالب شده و این زبان‌ها را به زبان‌هایی بدون گویشور تبدیل نماید. تاکنون، گویش‌ها و زبان‌های بسیاری در ایران ثبت و ضبط شده‌اند، اما همچنان تا شناسایی و توصیف کلیه زبان‌ها و گویش‌های رایج ایران راه درازی باقیست. این مقاله نشانه‌های نقش‌های معنایی مکانی را در نظام صرفی گونه‌ای جنوبی از زبان‌های ترکی خراسانی به نام ترکی نیشابوری مورد بررسی قرار می‌دهد، که در بخش سرولایت شهرستان نیشابور تکلم می‌شود. نقش‌های معنایی مکانی در این زبان به‌صورت صرفی با استفاده از پس‌افزافه‌ها نشان داده شده است. رویکرد مقاله حاضر توصیفی و ناظر بر استفاده روزمره گویشوران می‌باشد. نکته‌ای جانبی نیز در این مقاله به‌دست آمد: این گونه زبانی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای از فرایند هماهنگی واکه‌ای، بهره می‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** ترکی نیشابوری، سرولایت، نظام صرفی، رویکرد توصیفی، نقش‌های معنایی مکانی

✉ didaxism@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران

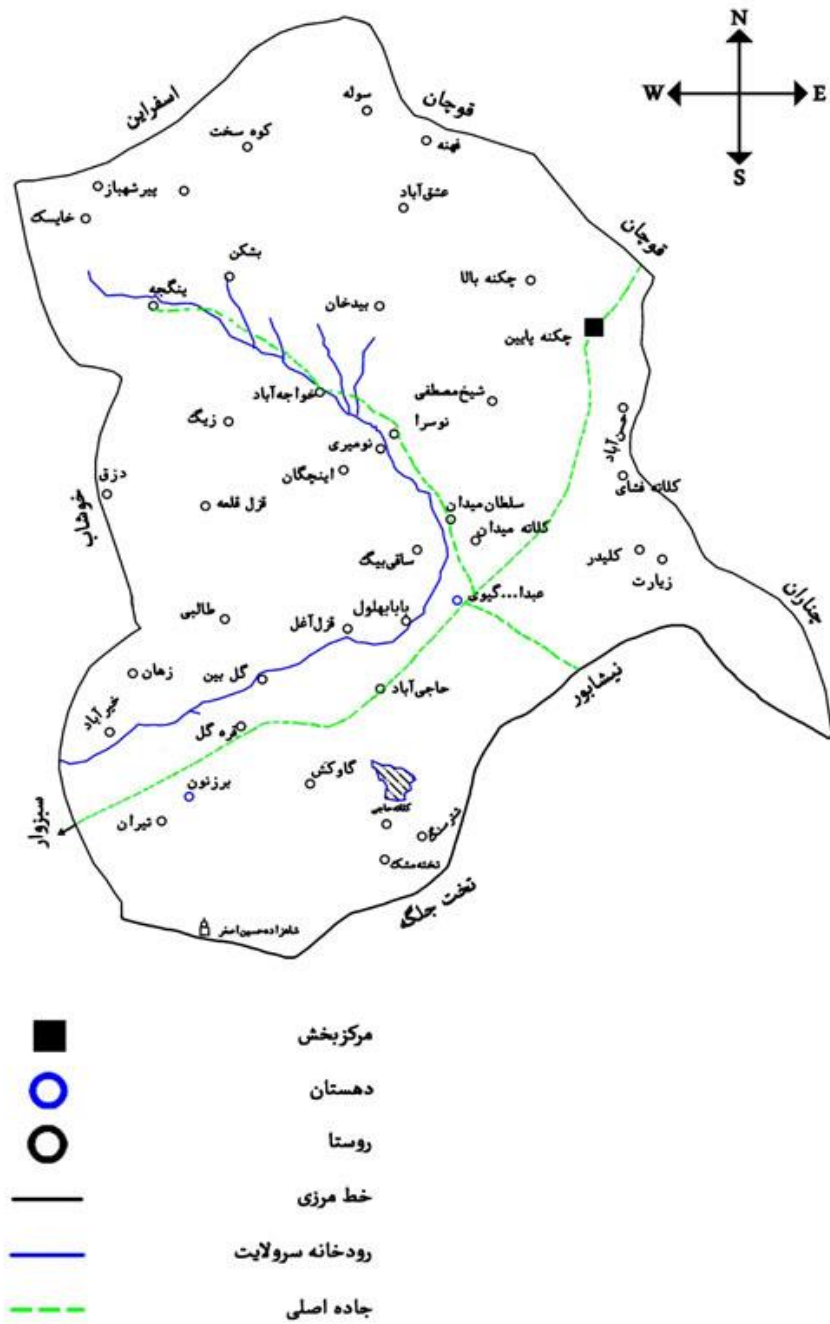
✉ mdbirmoghaddam@gmail.com

۲- استاد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران (نویسنده

مسئول)

## ۱- مقدمه

سرولایت یکی از بخش‌های شهرستان نیشابور می‌باشد که در شمال غرب این شهرستان واقع شده است؛ این بخش از شمال به شهرستان قوچان و قسمتی از چناران، از شرق و جنوب شرقی به شهرستان نیشابور و فیروزه، از جنوب غربی به بخش خوشاب و از غرب به شهرستان اسفراین محدود می‌شود. سرولایت به دلیل موقعیت خاص طبیعی و جغرافیایی و وجود ارتفاعات متعدد، دره‌های سرسبز و باغات زیبا و مفرح و آب و هوایش دلپذیر می‌باشد. این منطقه دارای نقاط متعدد توریستی و گردشگری است که بسیاری از آنها بکر و ناشناخته باقی مانده‌اند. محصولات آن گندم، جو و سیب زمینی است و رود کوچکی به نام کال شور به زمین‌های کشاورزی آن آب می‌رساند. در طرف شمال این بخش، سرزمین فلاتی حاصلخیزی قرار دارد که روستاهای معروف سلطان‌میدان و خواجه‌آباد در آن واقع شده است و جاده ارتباطی مشهد به طرف غرب از آن می‌گذرد. بخش سرولایت نیشابور از دو دهستان تشکیل شده است: یکی دهستان سرولایت به مرکزیت عبدالله‌گیو و دیگری دهستان برزنون به مرکزیت شهر برزنون؛ مرکز بخش سرولایت شهر چکنه سفلی و جمعیت آن طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، ۱۷۴۳۵ نفر می‌باشد (تحقیقات میدانی نگارندگان؛ بخشدار سرولایت). تصویر قلمروی علمی پژوهش حاضر در نقشه ۱ ارائه شده است.



نقشه ۱: حدود جغرافیایی بخش سروالایت نیشابور

## ۲- تاریخچه زبان ترکی

زبان ترکی از لحاظ تبارشناختی جزء زبان‌های اورال-آلتایی<sup>۱</sup> است. زبان‌های اورال-آلتایی به مجموعه زبان‌هایی گفته می‌شود که سخنگویان آنها از منطقه بین کوه‌های اورال و آلتای (در شمال ترکستان در قزاقستان امروزی) برخاسته و هر گروه در زمان‌های مختلف به نقاط مختلف مهاجرت کرده‌اند (هیئت، ۱۳۶۶: ۱۸).

زبان ترکی خراسانی را دورفر<sup>۲</sup> آلمانی، ترک‌شناس معروف، به‌عنوان ترکی سلجوقی شرقی معرفی کرده است، که شامل ترکی و ترکمنی خراسانی است. زبان ترکی در شهرستان‌های ترک‌نشین خراسان به علت مجاورت و همزیستی با زبان‌های فارسی و کردی، کم و بیش تحت تأثیر آنها قرار گرفته است. ترکی خراسان را به سه گروه گویشی تقسیم کرده‌اند (میرنیا، ۱۳۸۱: ۳۳-۳۴):

۱. گویش غربی یا شمال غربی، شامل شهر بجنورد و مناطق اطراف آن
۲. گویش شمالی یا شرقی، شامل شهرهای شیروان، قوچان، درگز، کلات و اطراف آنها
۳. گویش جنوبی شامل شهرهای نیشابور، سبزوار، جوین و جغتای

## ۳- پیشینه پژوهش

گویش‌شناسی<sup>۳</sup> یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که هدف آن گردآوری گویش‌ها و توصیف علمی آنها است. گویش‌ها منبعی بسیار غنی برای پژوهش‌های زبانی، ادبی، جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی به‌شمار می‌آیند (زمردیان، ۱۳۸۵: ۱).

عوامل گوناگونی در پیدایش گونه‌های زبانی دخالت دارند. یکی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین عواملی که در ایجاد تنوع زبانی دخالت دارند، عامل جغرافیایی یا مکانی است. به‌عبارت دیگر، گویندگان بومی یک زبان بر حسب منطقه جغرافیایی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، ممکن است ویژگی‌های زبانی متفاوتی داشته باشند و از این‌رو، در یک دسته‌بندی کلی می‌توان گونه‌های فردی را در گونه‌های جغرافیایی معینی جای داد که به اصطلاح گویش‌های جغرافیایی یا منطقه‌ای<sup>۴</sup> نامیده می‌شوند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

گویش‌شناسی، مطالعه گویش و گویش‌هاست. در کاربرد عامیانه، گویش گونه‌ای شبه‌استاندارد<sup>۵</sup> دارای شأن و موقعیت پایین است و اغلب گونه روستایی زبان قلمداد می‌شود که معمولاً در ارتباط با طبقه کارگر و یا دیگر اقشاری به‌کار می‌رود که از وجهه<sup>۶</sup> کمتری برخوردارند. گویش همچنین به‌گونه‌ای گفته می‌شود که در محیط‌های متروک دنیا که هیچ نوع نظام نوشتاری ندارند کاربرد دارد (چمبرز و ترادگیل<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴: ۳). در

---

1. Ural-Altaic  
 2. Gerhard Dorfer  
 3. dialectology  
 4. regiolect  
 5. substandard  
 6. prestige  
 7. J.K. Chambers & P. Trudgill

بیشتر موارد، اصطلاح گویش در رابطه با آن گونه‌های زبانی به کار می‌رود که محل جغرافیایی ویژه‌ای را در برمی‌گیرند (مارتینه، ۱۳۸۰: ۲۲۹).

برای ابهام‌زدایی، نگارندگان دسته‌بندی زیر را ارائه می‌دهند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: بیست و سه):

۱. گونه: اصطلاحی است خنثی و پوششی که می‌توان آن را به‌مثابه اطلاق کلی به کار برد. یعنی هرگاه نخواستیم باشیم خود را مقید به یک اصطلاح خاص کنیم، اصطلاح گونه راهگشاست.
۲. زبان: دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل<sup>۴</sup> ندارند.
۳. گویش: دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند، اما در عین حال بین آن دو گونه، تفاوت‌های آوایی، واجی، واژگانی و دستوری وجود دارد.
۴. لهجه: دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند، اما در عین حال، بین آن دو گونه، تفاوت‌های آوایی و واجی دیده می‌شود.

### ۳-۱- گویش‌شناسی گونه‌های ترکی رایج در ایران

در ایران، از زمان تأسیس اولین مدرسه نوین ایرانی در سال ۱۲۵۵ شمسی به همت میرزا حسن خان رشدیه در تبریز، تهیه مواد آموزشی و آثار دستوری به زبان ترکی رایج بوده و با انقلاب مشروطه اوج گرفته است. تعدادی از این آثار تاکنون انتشار یافته ولی در بین نسخ خطی کتابخانه‌های داخل و خارج کشور آثار دستوری منتشر نشده‌ی چندی مربوط به دوره قاجاریه وجود دارد. البته باید گفت که آثار نوشته شده در آن دوره، اکنون صرفاً از ارزش تاریخی برخوردارند (امینی، ۱۳۸۸: ۱۹).

حسابگر (۱۳۷۱)، در پایان‌نامه خود تحت عنوان *نظام آوایی زبان ترکی آذری*، ضمن ارائه تاریخچه‌ای از زبان ترکی و تقسیم‌بندی‌های مختلف درباره این خانواده زبانی و نیز سیر مطالعات ترکی پژوهی، به بررسی واج‌ها و واجگونه‌های ترکی آذری که از گویش عادی مردم تبریز انتخاب کرده، می‌پردازد. درباره آواهای [g] و [ɣ] چنین ادعا شده است که این آواها متعلق به یک واج انتزاعی با نشانه /G/ می‌باشند و نحوه قرار گرفتن آنها در توزیع تکمیلی نیز نشان داده شده است. آواهای [k, ʔ, ɟ] نیز از فهرست واج‌های ترکی آذری حذف شده و با دلایل و شواهد لازم نشان داده شده که این آواها متعلق به نظام واجی ترکی آذری نیستند. در فصل دیگری از پایان‌نامه فرایندهای آوایی و واجی ترکی آذری بررسی شده است. با پیاده کردن قواعد مربوط به این فرایندها بر نمودهای زیرساختی، صورت روساختی که در گویش مردم تبریز ظاهر شده، به‌دست آمده است. فرایندها با استفاده از تقسیم‌بندی شن<sup>۷</sup> (۱۹۷۳)، در چهار گروه همگون‌سازی، ناهمگون‌سازی، تضعیف

1. A. Martinet  
2. variety  
3. language  
4. mutual intelligibility  
5. dialect  
6. accent  
7. Schane

و تقویت و فرآیندهای مربوط به ساخت هجایی و واژه‌ای ارائه شده است. هماهنگی اصوات در ریشه واژه‌ها، نه به‌عنوان یک پدیده واجی بلکه به‌عنوان پدیده‌ای مربوط به محدودیت‌های ساختوازی تلقی شده و قاعده مربوط به آن نیز ارائه شده است، اما هماهنگی واکه‌ها در پسوندها به‌عنوان یک پدیده واجی مورد بحث قرار گرفته و قاعده مربوط به آن نیز ارائه شده است (حسابگر، ۱۳۷۱: چکیده).

صادقی نیارکی (۱۳۷۵)، در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با‌عنوان *وندهای تصریفی و اشتقاقی ترکی با تکیه بر گویش نیارکی* با جمع‌آوری کلیه وندهای تصریفی و اشتقاقی موجود در گویش نیارکی به بررسی چگونگی شرکت این وندها در ساخت واژگان این گویش از زبان ترکی آذربایجانی پرداخته و تغییرات ایجاد شده در این گویش بر اثر مجاورت با زبان فارسی را نشان داده است (صادقی نیارکی، ۱۳۷۵: چکیده).

#### ۴- نشانه‌های نقش‌های معنایی مکانی

نقش‌های معنایی مکانی در زبان ترکی نیشابوری به‌صورت صرفی نشان داده می‌شوند. اسم مالک یا اسم مکان پسوند [-ii] و اسم مملوک که همان حرف اضافه مکان‌نما باشد، نشانه‌های -e یا -o و دیگر پسوندهای اضافی<sup>۱</sup> را می‌پذیرند. در آوانوشته‌ها در کنار هر پسوند، پسوندی دیگر داخل پرانتز آمده که بدین معناست که پسوند داخل پرانتز زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نزدیک‌ترین واکه در ریشه پسین باشد (هماهنگی واکه‌ای<sup>۲</sup>)؛ خط تیره در آوانوشته‌ها مرز تکواژها را نشان می‌دهد. شایان ذکر است در نمونه‌های زیر واج میانجی [n] به منظور جلوگیری از التقای واکه‌ها<sup>۳</sup> و همین‌طور به‌عنوان روان‌ساز تلفظ حضور دارد. داده‌های پژوهش حاضر با توجه به جدول زیر آوانگاری شده‌اند:

جدول ۱: نشانه‌های آوایی موجود در آوانوشته‌ها (برگرفته از امینی ۱۳۸۸)

طبقه	نشانه به‌کاررفته در آوانوشته	توصیف آوایی
واکه‌ها	a	واکه، پسین، باز، سخت
	u	واکه، پسین، بسته، گرد، سخت
	o	واکه، پسین، نیم‌بسته، گرد، سخت
	æ	واکه، پیشین، باز، سخت
	e	واکه، پیشین، نیم‌بسته، سخت
	i	واکه، پیشین، بسته، گسترده، سخت
	∅	واکه، پیشین، نیم‌بسته، گرد، سخت
	y	واکه، پیشین، بسته، گرد، سخت

1. genitive
2. vowel harmony
3. hiatus

همخوان‌های لبی	p	همخوان، دولبی، انسدادی، بی‌واک
	b	همخوان، دولبی، انسدادی، واگذار
	m	همخوان، دولبی، خیشومی، واگذار
همخوان‌های لب و دندان‌های	f	همخوان، لب و دندان‌های، سایشی، بی‌واک
	v	همخوان، لب و دندان‌های، سایشی، واگذار
همخوان‌های لثوی	t	همخوان، لثوی، انسدادی، بی‌واک
	d	همخوان، لثوی، انسدادی، واگذار
	n	همخوان، لثوی، خیشومی، واگذار
	s	همخوان، لثوی، سایشی، بی‌واک
	z	همخوان، لثوی، سایشی، واگذار
	l	همخوان، لثوی، کناری، واگذار
	r	همخوان، لثوی، لرزشی، واگذار
	ʎ	همخوان، لثوی، انسایشی، بی‌واک
همخوان‌های لثوی	dʒ	همخوان، لثوی، انسایشی، واگذار
	ʃ	همخوان، پس‌لثوی، سایشی، بی‌واک
همخوان‌های پس‌لثوی	ʒ	همخوان، پس‌لثوی، سایشی، واگذار
	j	همخوان، کامی، نیم‌واکه
همخوان کامی	k	همخوان، نرم‌کامی، انسدادی، بی‌واک
	g	همخوان، نرم‌کامی، انسدادی، واگذار
	x	همخوان، نرم‌کامی، سایشی، بی‌واک
	q	همخوان، نرم‌کامی، سایشی، واگذار
	ŋ	همخوان، نرم‌کامی، خیشومی، واگذار
همخوان‌های چاکنایی	h	همخوان، چاکنایی، انسدادی، بی‌واک
	?	همخوان، چاکنایی، انسدادی، واگذار

معنای <sup>۱</sup> تک‌تک تکواژها نیز با توجه به جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲: کوتاه‌نوشته‌های موجود در معنای تکواژها (برگرفته از دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

نشانه	معنا	نشانه	معنا
فعل «ل+گذشته»	فعل لازم ساخته‌شده با ستاک گذشته	mass.	مذکر
فعل «ل+حال»	فعل لازم ساخته‌شده با ستاک حال	perf.	کامل
فعل «م+گذشته»	فعل متعدی ساخته‌شده با ستاک گذشته	part.	وجه وصفی
فعل «م+حال»	فعل متعدی ساخته‌شده با ستاک حال	neut.	خنثی
«+گذشته»	ساخته‌شده با ستاک گذشته	loc.	مکانی
«+حال»	ساخته‌شده با ستاک حال	inst.	وسیله‌ای
A	فاعل فعل متعدی/عامل	obl.	غیرفاعلی
S	فاعل فعل لازم	neg.	نفی
P یا O	مفعول صریح	Pres	زمان حال
۱ش م	اول شخص مفرد	م	معرفه
۲ش م	دوم شخص مفرد	ن	نکره
۳ش م	سوم شخص مفرد	sg	مفرد
۱ش ج	اول شخص جمع	pl	جمع
۲ش ج	دوم شخص جمع	fem	مونث
۳ش ج	سوم شخص جمع	l pl	اول شخص جمع
Nom	حالت فاعلی	م+ف	مفعول+فعل
Acc	حالت مفعولی	اض	اضافه

## ۴-۱- شیوه‌های تعیین مکان

## ۴-۱-۱- اشاره به مکان ثابت

در زبان ترکی نیشابوری، برای اشاره به مکان ثابت پسوند‌های [-dæ] و [-da] را به اسم مکان مورد نظر متصل می‌کنند. این دو پسوند همیشه همراه با نشانه‌های گوناگون خاص مکان‌ها می‌آیند؛ هر دو پسوند به معنای در فارسی می‌باشند.

(۱) مامان مدرسه است. [?ænæ mədrəsæ-dæ-de]

است در مدرسه مامان  
(۲) بهروز (در) نیشابور زندگی می‌کند. [ behruz nejʃabur-da zendegi ?ed-i]

۳ش م-نمودناقص+کن زندگی در نیشابور بهروز

## ۴-۱-۲- اشاره به حرکت به سمت مکان

حرکت به سمت مکان را با اضافه نمودن پسوند‌های [-æ] و [-a] به مکانی بیان می‌دارند که حرکت بدان سو انجام می‌گیرد. هر دو پسوند به معنای به فارسی می‌باشند.



[ tʃaqa-la mədræsə-j-æ ged-dilan] ۳) بچه‌ها (به) مدرسه رفتند.

۳) آش-ج-رفتن به-آوای میانجی-مدرسه جمع-بچه

#### ۳-۱-۴) اشاره به حرکت از مکان

حرکت از مکان را با پسوندهای [-dæn] و [-dan] نشان می‌دهند. در زبان ترکی نیشابوری پسوندهای [-næn] و [-nan] و پسوندهای [-dæn] و [-dan] معادل هم هستند و می‌توانند به جای یکدیگر به کار بروند. هر دو پسوند به معنای از فارسی می‌باشند.

[ mina sava ʃiraz-dan jet-i-ʃær] ۴) مینا فردا از شیراز می‌رسد.

آینده‌نما-۳ش-م-رس از شیراز فردا مینا

#### ۲-۴) شیوه‌های اشاره به مکان‌های نزدیک

##### ۱-۲-۴) اشاره به مکان ثابت نزدیک

مکان‌های نزدیک ثابت را با استفاده از حرف اضافه<sup>۱</sup> (پس‌اضافه<sup>۲</sup>) [jaxond] نشان می‌دهند و مفعول، نشانه [-in] [-on] در مجاورت ریشه‌ای که نزدیک‌ترین واژه‌اش به این پسوند، پسین باشد<sup>۳</sup> گرفته و پسوند اضافی مربوط، به [jaxond] اضافه می‌شود؛ به عبارتی، در اینجا ساخت اضافه<sup>۴</sup> به چشم می‌خورد.

[ kitabxanæ bang-on jaxond-on-da-do] ۵) کتابخانه نزدیک بانک است.

است-در-اض-نزدیک اض-بانک کتابخانه

##### ۲-۲-۴) اشاره به حرکت به سمت مکان نزدیک

مفهوم حرکت به سمت مکان نزدیک را با افزودن پسوند (-æ)[-a] به [jaxond] بیان می‌کنند.

[ ged ?o deræxt-in jaxond-on-a] ۶) برو نزدیک آن درخت.

به-اض-نزدیک اض-درخت آن برو

##### ۳-۲-۴) اشاره به حرکت از مکان نزدیک

حرکت از مکان نزدیک را با استفاده از ترکیب پسوند [-næn] [-nan]) با پس‌اضافه [jaxond] نشان می‌دهند.

[ bir bælənd sæs saxteman-on jaxond-on-nan gæl-di] ۷) صدای بلندی از نزدیک ساختمان آمد

ساختمان آمد

۳)ش-م-آمد از-اض-نزدیک اض-ساختمان صدا بلند یک

1. adposition
2. postposition

۳. این قاعده در مورد تمامی جفت پسوندهای بعدی نیز صادق است.

4. genitive construction

## ۳-۴- شیوه‌های اشاره به درون مکان‌ها

## ۱-۳-۴ اشاره به درون مکان ثابت

درون مکان‌های ثابت را بوسیله پس‌افزافه [ʔti](i) نشان می‌دهند که پس از اسم آن مکان می‌آید و به دلیل اینکه آن اسم مکان مالک مفهوم **درون** به حساب می‌آید، حالت ملکی موجود را با اضافه نمودن پسوند [-iŋ] بدان اسم بیان می‌کنند. پس‌افزافه [ʔti](i) معادل **تو(ی)** در فارسی است. برخی اوقات برای مکان‌های بزرگ‌تر مثل شهرها از پسوند [-dæ] [-ad] استفاده می‌شود.

[ qutu-n-oŋ ʔitʃ-i ]

۸) توی قوطی

اض-تو اض-آوای میانجی-قوطی

[ ʔæv-iŋ ʔitʃ-i ]

۹) توی خونه

اض-تواض-خانه

[ mæʃhæd-dæ ]

۱۰) در مشهد

در-مشهد

معادل حرف اضافه **درون** در این زبان ترکیب پس‌افزافه+پسوند به صورت [ʔitʃ-iŋ-dæ] می‌باشد. البته اگر به‌طور تحت‌اللفظی این ترکیب را ترجمه کنیم، معنی **در درون** حاصل می‌شود. لفظ «ترکیبی» در این جا معنای مرکب را ایفاد نمی‌کند، بلکه بدین معناست که این ساخت تلفیقی از یک پس‌افزافه و چند پسوند می‌باشد. به عبارتی این پسوند را می‌توان یک واژه واجی<sup>۱</sup> و از نظر صرفی-نحوی یک **حرف‌افزافه** چندجزئی<sup>۲</sup> به حساب آورد.

## ۲-۳-۴ اشاره به حرکت به درون مکان

برای اشاره به حرکت به درون مکان از حرف‌افزافه چندجزئی [ʔitʃ-iŋ-dæ] (معادل (در) **درون**) استفاده می‌شود. [ʔitʃ] معادل **درون**، [-iŋ] معادل کسره اضافه، و [-dæ] معادل **در** می‌باشد.

[ tʃætr-e qoj komod-oŋ ʔitʃ-iŋ-dæ ]

۱۱) چتر را بگذار توی کمد

در-اض-درون اض-کمد بگذار مفعول‌نما-چتر

## ۳-۳-۴ اشاره به حرکت از درون مکان

برای بیان حرکت از مکان ثابت از حرف‌افزافه چندجزئی [ʔitʃ-iŋ-næn] استفاده می‌شود که به معنای **از توی** و **از داخل** است. [ʔitʃ] معادل **درون**، [-iŋ] معادل کسره اضافه و [-næn] معادل **از** می‌باشد.

[ tʃæmædan-o maʃin-iŋ ʔitʃ-iŋ-næn daʃ-a gæti ]

۱۲) چمدان را از توی ماشین بیرون بیاور

بیاور به بیرون از-اض-تو اض-ماشین مفعول‌نما-چمدان

1.phonological word  
2.complex adposition

در معنای جمله ۱۲، نکته‌ای درخور توجه است: در زبان ترکی نیشابوری، صیغه امر طی فرایند اشتقاق پسرو<sup>۱</sup> از مصدر به‌دست می‌آید. آوای [r] نیز در مصدر رابط<sup>۲</sup> است (از سنگینی تلفظ - ناشی از نزدیکی [t] و [d] - می‌کاهد):

<b>مصدر</b>	<b>امر</b>
gæti-r-diq	gæti
saxla-dog	saxla

#### ۴-۴-۴- شیوه‌های اشاره به بیرون مکان‌ها

##### ۴-۴-۱- اشاره به بیرون مکان ثابت

معادل واژه بیرون فارسی پس‌اضافه [da] است که در جملات مختلف بسته به معنا و نقشش، به‌صورت پس‌اضافه‌های چندجزئی [da]-a و [da]-da (معادل (در) بیرون) ظاهر می‌شود. در اینجا اضافه کردن پسوند [-dan] ([-dæn]) (معادل از) به مکان مربوطه الزامی است، چرا که در زبان ترکی نیشابوری، همیشه اسم و حرف‌اضافه در رابطه اضافه نسبت به یکدیگر قرار دارند.

[jit-e ?æv-dæn da]-da saxla]

(۱۳) سگ را بیرون خانه نگه‌دار

نگه‌دار در-بیرون از-خانه مفعول‌نما-سگ

[ke]væ-r-dæn da]-da ]

(۱۴) خارج از کشور

در-بیرون از-کشور

##### ۴-۴-۲- اشاره به حرکت به بیرون مکان

حرکت به سمت بیرون از مکان را با پس‌اضافه (وام‌واژه از فارسی) [tæræf] (معادل طرف) و پسوندهای [-] [(-a)]æ (معادل به) و همین‌طور با استفاده از پسوندهای [-dʒæ] [-dʒa] (معادل تا) نشان می‌دهند.

[dʒæm]id mæsjid-inj tæræf-inj-æ ged-di]

(۱۵) جمشید به طرف مسجد رفت

شج-رفت به-اض-طرف اض-مسجد جمشید

[ʃiva]æhr-inj dærvazæ-s-e-dʒæ jol ged-di]

(۱۶) شیوا تا دروازه شهر راه رفت

شج-رفت راه تا-اض-آوای میانجی-دروازه اض-شهر شیوا

##### ۴-۴-۳- اشاره به حرکت از بیرون مکان

از پسوند [-næn] ([-nan]) برای نشان دادن حرکت دورشونده از بیرون جایی استفاده می‌شود. این پسوند معادل از در فارسی است.

(۱۷) از دیوار خارج حیاط پنج قدم به طرف چپ برو

[hæjat-onj da]-da-k-o divar-nan bi] qædæm tʃæp tæræf-æ ged ]

1. backformation

2. linking

برو به-طرف چپ قدم پنج از-دیوار اض-آوای میانجی-در-خارج اض-حیاط  
 (۱۸) شاپور از دیوار اطراف باگذشت [ʃapʊr baq-oŋ doræ-s-iŋ-æ divar-nan gæʈʃ-di]  
 ۳م-گذشتن از-دیوار مفعول نما-اض-آوای میانجی-اطراف (دور) اض-باغ شاپور

#### ۴-۵-۵- شیوه‌های اشاره به پیش مکان‌ها

##### ۴-۵-۱- اشاره به پیش مکان ثابت

بخش پیشین مکان ثابت را بوسیله پس‌افزوده‌های [ʔoŋg] و [jilæʀ] نشان می‌دهند. این دو کلمه معادل جلو در فارسی هستند.

(۱۹) جلوی من بنشین [mæn-iŋ ʔoŋg-ø̄m-dæ ʔoto], [mæn-iŋ jilæʀ-im-dæ ʔoto]

بنشین در-اض-جلو اض-من بنشین در-اض-جلو اض-من

##### ۴-۵-۲- اشاره به حرکت به پیش مکان

در اینجا پسوند [-æ] [-a] به پس‌افزوده‌های [ʔoŋg] و [jilæʀ] اضافه می‌شوند و معنی به را می‌رساند. به عبارتی، این پس‌افزوده‌ها، چندجزئی می‌شوند.

(۲۰) برو جلوی من [ged mæn-iŋ ʔoŋg-ø̄m-æ], [ged mæn-iŋ jilæʀ-im-æ]

به-اض-جلو اض-من برو به-اض-جلو اض-من برو

##### ۴-۵-۳- اشاره به حرکت از پیش مکان

این نوع حرکت را با ترکیب پسوند [-næn] [-nan] با پس‌افزوده‌های [ʔoŋg] و [jilæʀ] بیان می‌کنند. این پسوند معنای از را می‌رساند.

(۲۱) از جلوی من برو کنار [mæn-iŋ ʔoŋg-ø̄m-næn / jilæʀ-im-næn kenar-a ged]

برو به-کنار از-اض-جلو از-اض-جلو اض-من

#### ۴-۶-۴- شیوه‌های اشاره به پشت مکان‌ها

##### ۴-۶-۱- اشاره به پشت مکان ثابت

پشت مکان ثابت را توسط حرف‌افزافه [dal] نشان می‌دهند. این واژه معادل پشت در فارسی است.  
 (۲۲) گربه پشت صندلی است [piʃik sændæli-n-iŋ dal-oŋ-da-do]

است-در-اض-پشت اض-آوای میانجی-صندلی گربه

##### ۴-۶-۲- اشاره به حرکت به پشت مکان

در این مورد نیز از حرف‌افزافه [dal] استفاده می‌شود و پس از آن پسوند [-æ] [-a] قرار می‌گیرد. این پسوند معادل به در فارسی است و حضورش در جمله اجباری است.

(۲۳) برو (به) پشت خانه [ged ʔæv-iŋ dal-oŋ-a]

به-اض-پشت اض-خانه برو

## ۴-۶-۳- اشاره به حرکت از پشت مکان

حرکت از پشت مکان را با پسوند پر کاربرد [-næn] [-nan]) و همان واژه [dal] نشان می‌دهند.  
 (۲۴) خرگوش از پشت درخت دوید بیرون [ doʃan deræxt-iŋ dal-oŋ-nan qaʃ-do daʃ-a ]  
 به-بیرون ۳ش-م-دوید از-اض-پشت اض-درخت خرگوش

## ۴-۷-۷- شیوه‌های اشاره به روی مکان‌ها

## ۴-۷-۱- اشاره به روی مکان ثابت

برای نمایش روی مکان ثابت از پس‌افزافه [juxar] (معادل بالا) و [baʃ] (معادل سر، نوک) بیان می‌کنند که با توجه به بافت‌های مختلف پسوندهای متفاوتی می‌پذیرند.

(۲۵) بالای سطح زمین [ jer-iŋ sæth-e juxar-o ]

اض-بالا نقش‌نما-سطح اض-زمین

## ۴-۷-۲- اشاره به حرکت به روی مکان

برای اشاره به حرکت به روی مکان هم [juxar] و هم [baʃ] مورد استفاده قرار می‌گیرند و پسوند [-æ] ([a-]) که معادل به می‌باشد به آنها اضافه می‌شود.

(۲۶) ماشین را ببر سر تپه [ maʃo-n-o ?ed tæppæ-n-iŋ baʃ-oŋ-a ]

به-اض-سر اض-آوای میانجی-تپه ببر مفعول‌نما-آوای میانجی-ماشین

## ۴-۷-۳- اشاره به حرکت از روی مکان

برای القای مفهوم حرکت از روی مکان از پسوند [-næn] [-nan]) بهره گرفته می‌شود. این پسوندها به دو حرف اضافه [juxar] و [baʃ] افزوده می‌شوند.

(۲۷) لیلی از بالای پلکان افتاد [ lejli zenæ-læ-r-iŋ baʃ-oŋ-nan døʃ-do ]

۳ش-م-افتاد از-اض-بالا اض-آوای میانجی-جمع-پله لیلی

## ۴-۸-۱- شیوه‌های اشاره به سطح زبرین مکان‌ها

## ۴-۸-۱- اشاره به سطح زبرین مکان ثابت

سطح زبرین مکان ثابت را پس‌افزافه [ʔyst] (معادل روی) نشان می‌دهند.

(۲۸) گربه روی قالی می‌خوابد [ piʃik qæli-n-iŋ ?yst-yŋ-dæ jat-i ]

۳ش-م-می‌خواب در-اض-روی اض-آوای میانجی-قالی گربه

## ۴-۸-۲- اشاره به حرکت به سطح زبرین مکان

حرکت به سمت سطح زبرین مکان را با ترکیب پس‌افزافه [ʔyst] و پسوند [-æ] بیان می‌کنند.

(۲۹) گربه (به) روی صندلی پرید [ piʃik sændæli-n-iŋ ?yst-yŋ-æ ?adla-do ]

۳ش-م-پرید به-اض-روی اض-آوای میانجی-صندلی گربه

## ۳-۸-۴- اشاره به حرکت از سطح زیرین مکان

برای نمایش حرکت از سطح زیرین، پسوند [-næn] به پس‌افزافه [ʔyst] افزوده می‌شود.

[ piʃik sændæli-n-in ʔyst-yn-næn ʔadla-do ] (۳۰) گربه از روی صندلی پرید

۳ش‌م-پرید از-اض-روی اض-آوای میانجی-صندلی گربه

## ۹-۴- ثبوت‌های اشاره به سطح زیرین مکان‌ها

## ۱-۹-۴- اشاره به سطح زیرین مکان ثابت

سطح زیرین مکان ثابت را با استفاده از پس‌افزافه [ʔast] بیان می‌کنند.

[ ʔossu-j-on ʔast-o ] (۳۱) زیر آب

اض-زیر اض-آوای میانجی-آب

## ۲-۹-۴- اشاره به حرکت به سطح زیرین مکان

برای بیان این مفهوم پسوند [-æ][a-] را به پس‌افزافه [ʔast] می‌افزایند.

[ maʃin pol-on ʔast-on-a ged-di ] (۳۲) ماشین زیر پل رفت

۳ش‌م-رفت به-اض-زیر اض-پل ماشین

## ۳-۹-۴- اشاره به حرکت از سطح زیرین مکان

حرکت از سطح زیرین مکان را با اضافه نمودن پسوند [-næn][nan-] به پس‌افزافه [ʔast] بیان می‌کنند.

[ bir sitʃan zenæ-læ-r-in ʔast-on-nan daʃ-a qatʃ-do ] (۳۳) یک موش از زیر پله‌ها دوید

بیرون

۳ش‌م-دوید به-بیرون از-اض-زیر اض-آوای میانجی-جمع-پله موش یک

## ۱۰-۴- ثبوت‌های اشاره به سطح جانبی مکان‌ها

## ۱-۱۰-۴- اشاره به سطح جانبی مکان ثابت

برای اشاره به سطح جانبی مکان از پس‌افزافه [pal]، معادل پهلوی، استفاده می‌شود. در مواردی نیز از وام‌واژه

[dæm] بهره گرفته می‌شود.

[ gæl ʔot-on pal-on-da ʔoto ] (۳۴) بیا دم آتش بنشین

بنشین در-اض-دم اض-آتش بیا

[ gæl mæn-in pal-om-da ʔoto ] (۳۵) بیا پهلوی من بنشین

بنشین در-اض-پهلوی اض-من بیا

## ۲-۱۰-۴- اشاره به حرکت به سطح جانبی مکان

برای بیان حرکت به سطح جانبی مکان از پسوند [-æ][a-] استفاده می‌شود که به حرف اضافه [pal] متصل

می‌شود.

[ ?ist.iræm ged-im ?ot-oŋ pal-oŋ-a ] می‌خواهم برم دم آتش (۳۶)

به-اض-دم اض-آتش التزامی-رومخاباری-خواهم

[ gæl mæn-iŋ pal-om-a ]

(۳۷) بیا پهلوی من

به-اض-پهلوی اض-من بیا

#### ۴-۱۰-۳- اشاره به حرکت از سطح جانبی مکان

برای القای این مفهوم از پسوند [(-nan)](-næn) به علاوه پس‌افزایه‌های [dæm] یا [pal] استفاده می‌شود.

[ rudxanæ-n-iŋ dæm-iŋ-næn kenar-a gæl-di ]

(۳۸) از دم رودخانه آمد کنار

۳ش-م-آمد به-کنار از-اض-دم اض-آوای میانجی-رودخانه

#### ۴-۱۱-۱- شیوه‌های اشاره به اطراف مکان‌ها

##### ۴-۱۱-۱- اشاره به اطراف مکان ثابت

برای نشان دادن اطراف مکان ثابت از عبارت [bu tæræf] استفاده می‌شود.

[ qælæ-lære daq-oŋ bu tæræf-iŋ-dæ-de ]

(۳۹) دهشان این طرف کوه است

است-در-اض-طرف این اض-کوه اض-ده

##### ۴-۱۱-۲- اشاره به حرکت به اطراف مکان

حرکت به اطراف مکان را با اضافه نمودن پسوند [(-a)](-æ) به عبارت [bu tæræf] بیان می‌کنند.

[ gøzɡø-n-o ?æv-iŋ bu tæræf-iŋ-æ gæti ]

(۴۰) آینه را بیار این طرف اتاق

بیار به-اض-طرف این اض-اتاق مفعول‌نما-آوای میانجی-آینه

##### ۴-۱۱-۳- اشاره به حرکت از اطراف مکان

برای بیان این مفهوم نیز پسوند [(-nan)](-næn) را به عبارت [bu tæræf] اضافه می‌کنند.

(۴۱) شیر از این طرف قفس به طرف ما دوید

[ ?er qæfæs-i-n-iŋ bu tæræf-iŋ-næn biz-iŋ tæræf-imis-æ juger-de ]

۳ش-م-دوید به-اض-طرف-ما از-اض-طرف این اض-آوای میانجی-مفعول‌نما-قفس شیر

#### ۴-۱۲-۱- شیوه‌های اشاره به میان مکان‌ها

##### ۴-۱۲-۱- اشاره به میان مکان ثابت

برای اشاره به میان مکان ثابت از پس‌افزایه [?ara] (معادل بین) و پس‌افزایه [?orta] (معادل وسط)

استفاده می‌شود. این واژه نیز به هنگام پیوند خوردن با دیگر اجزای کلام تغییر پیدا می‌کند.

[ miz divar-oŋ-nan sændæli-n-iŋ ?ara-s-oŋ-da-do ]

(۴۲) میز بین دیوار و صندلی است

است-در-اض-آوای میانجی-بین اض-آوای میانجی-صندلی از-اض-دیوار میز

(۴۳) پرویز بین درخت‌ها ایستاد [ pærviz deræxt-læ-r-iŋ ?ara-s-oŋ-da dor-do ]

۳ش م-ایستاد در-اض-آوای میانجی-بین اض-آوای میانجی-جمع-درخت پرویز

۴-۱۲-۲- اشاره به حرکت به میان مکان

حرکت به میان مکان را نیز با استفاده از پس‌افزای‌های [?ara] و [?orta] نشان می‌دهند.

(۴۴) میز را بین دو تا صندلی [ miz-e ?iki sændæli-n-iŋ?orta / ?ara-s-oŋ-da qoj-do ]

گذاشت

۳ش م-گذاشت در-اض-آوای میانجی-بین اض-آوای میانجی-صندلی دو مفعول نما میز

۴-۱۲-۳- اشاره به حرکت از میان مکان

حرکت از میان مکان را با ترکیب پس‌افزای‌های [?ara] و [?orta] و پسوند [-næn][(-nan)] نشان می‌دهند.

(۴۵) خرس از وسط [ xers deræxt-læ-r-iŋ?orta / ?ara-s-oŋ-nan da]-a ?adla-do ]

درخت‌ها پرید بیرون

۳ش م-پرید به-بیرون از-اض-آوای میانجی-وسط اض-آوای میانجی-جمع-درخت خر

۴-۱۳-۱- شیوه‌های اشاره به پیرامون مکان‌ها

۴-۱۳-۱- اشاره به پیرامون مکان ثابت

برای اشاره به پیرامون مکان از پس‌افزای دخیل (از فارسی) [dor] استفاده می‌شود.

(۴۶) طناب دور درخت پیچیده بود [ jyp deræxt-iŋ dor-oŋ-a tʃolan-do ]

ل+گذشته-پیچیده بود به-اض-دور اض-درخت طناب

۴-۱۳-۲- اشاره به حرکت در پیرامون مکان

برای نمایش حرکت پیرامون مکان نیز از پس‌افزای [dor] استفاده می‌شود.

(۴۷) طناب را دور کمرش بیچ [ jyp-o bel-i-n-iŋ dor-oŋ-a tʃola ]

بیچ به-اض-دور اض-آوای میانجی-مفعول نما-کمر مفعول نما-طناب

۴-۱۴-۱- شیوه‌های اشاره به مقابل مکان‌ها

۴-۱۴-۱- اشاره به مقابل مکان ثابت

معادل روبرو یا مقابل فارسی در زبان ترکی نیشابوری، پس‌افزای [tʃæræ] می‌باشد که بسته به کلمات پیرامونش پسوندهایی خاص را می‌گیرد.

(۴۸) کتابخانه روبروی مدرسه است [ kitabxanæ mædræsæ-n-iŋ tʃæræ-s-iŋ-dæ-de ]

است-در-اض-آوای میانجی-روبرو اض-آوای میانجی-مدرسه کتابخانه



## ۴-۱۴-۲- اشاره به حرکت در مقابل مکان

برای بیان این مفهوم نیز از پس‌اضافه [tʃæræ] استفاده می‌شود.

[ badʒi-j-iŋ tʃæræ-s-iŋ-dæ do ]

(۴۹) روبروی خواهرت بایست

بایست در-اض-آوای میانجی-روبرو اض-آوای میانجی-خواهر

## ۴-۱۴-۳- اشاره به حرکت از مقابل مکان

برای بیان این مفهوم پسوند [-næn][(-nan)] را به پس‌اضافه [tʃæræ] اضافه می‌نمایند.

[ mæn-iŋ tʃæræ-m-næn tor-do ]

(۵۰) از روبروی من بلند شد

آش‌م-بلندشد از-اض-روبرو اض-من

## ۵- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این بررسی و تحقیق نشان می‌دهد زبان ترکی نیشابوری به خوبی ویژگی پیوندی بودن<sup>۱</sup> که یکی از شاخص‌های بارز زبان ترکی است، حفظ نموده است؛ در این زبان هر مفهوم دستوری به‌صورت تکواژی مجزا با مرزی مشخص به ریشه افزوده می‌شود.

نقش‌های معنایی مکانی را در زبان ترکی نیشابوری به‌صورت صرفی و به کمک پس‌اضافه‌ها نشان می‌دهند. همان‌طور که اشاره شد اسم مالک (مضاف)<sup>۲</sup> یا اسم مکان پسوند [-iŋ] (و بسته به بافت و تحت تأثیر هماهنگی واکه‌ای، تکواژگونه‌های دیگر آن: [-oŋ] و [-yŋ]) و اسم مملوک (مضاف‌الیه)<sup>۳</sup> که همان پس‌اضافه مکان‌نما باشد، نشانه‌های "e-" یا "o-" و دیگر پسوندهای اضافی را می‌پذیرد. در مثال‌های مقاله حاضر، در کنار هر پسوند، پسوندی دیگر در داخل پرانتز آورده شده است: این پسوند زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نزدیک‌ترین واکه در ریشه پسین باشد. در رابطه با پسوند مکان‌نما باید این نکته را متذکر شد که همراه با اکثر نشانه‌های مکان‌نما، پسوندهای [-dæ] و [-da] به معنای «در» (حرف اضافه) ظاهر می‌شوند در حالی که در فارسی این مفهوم در رساخت متجلی نمی‌شود.

اصلی‌ترین آوای میانجی<sup>۴</sup> زبان ترکی نیشابوری [n] است که در اکثر موارد برخورد دو واکه، داخل شده و تلفظ را روان‌تر می‌سازد. دیگر آواهای میانجی این زبان که در مثال‌ها مشاهده شد [s]، [j] و [ʔ] هستند.

در رابطه با ساخت حالت این زبان باید گفت که یکسره فاعلی-مفعولی<sup>۵</sup> است. حروف اضافه در این زبان تماماً پس‌اضافه بودند که از ویژگی‌های بارز زبان‌های فعل‌پایانی<sup>۶</sup> به حساب می‌آید.

1. agglutination
2. possessor
3. possessed
4. empty morph
5. nom-acc
6. OV

## منابع

- امینی، رقیه (۱۳۸۸)، *دگرگونی‌های واجی در نظام واژه‌سازی پسوندی زبان‌های نوین ترکی اوغوزی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- حسابگر، حسن (۱۳۷۱)، *نظام آوایی زبان ترکی آذری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲)، *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، تهران: سمت، چاپ اول.
- زمردیان، رضا (۱۳۸۵)، *راهنمایی و گردآوری گویش‌ها*، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- صادقی نیارکی، عبد... (۱۳۷۵)، *وندهای تصریفی و اشتقاقی ترکی با تکیه بر گویش نیارکی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- قلی‌زاده مزرچی، جلال (۱۳۹۰)، *آشنایی با زبان ترکی خراسانی*، دامپنه، مشهد.
- کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان (۱۳۸۰)، *فرهنگ جغرافیایی ایران (خراسان)*، ترجمه محمد کاظم خادمیان، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
- مارتینه، آندره (۱۳۸۰)، *مبانی زبان‌شناسی عمومی*، ترجمه هرمز میلانین، تهران: هرمس.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرنیا، سید علی (۱۳۸۱)، *نگاهی به فرهنگ مردم عامه خراسان*، مشهد: سخن گستر.
- هیئت، جواد (۱۳۶۶)، *سیری در تاریخ و لهجه‌های ترکی*، تهران: نشر نو.
- Chambers, J. K. & P. Trudgill, (1980), *Dialectology*, Cambridge University Press, Cambridge, UK.
- Chambers, J. K. & P. Trudgill, (2004), *Dialectology*, Cambridge University Press, Cambridge, UK.